بررسی اسناد به دست آمده ساواک از دهه ۴۰

دانشگاه با انقلاب اسلامی همراه بود؟

نزدیک به ۴۰ سال از انقلاب اسلامی می‌گذرد؛ شاید دانشجویانی که امروز در دانشگاه‌ها حضور دارند، درکی از روزهای پرفراز و نشیب دهه ۵۰ و قبل آن ندارند. اینکه آیا دانشگاه همراه انقلاب اسلامی بود یا نه؟ چه میزان در تحولات شکل‌دهنده انقلاب اسلامی نقش داشت؟ یا اینکه با هدایت کننده حرکت‌های مردمی علیه رژیم شاهنشاهی چه نسبتی داشت و... سوال‌هایی هستند که ممکن است در ذهن و زبان دانشجویان امروز باشد. در کتاب‌هایی که به شرح وقایع انقلاب اسلامی پرداخته‌اند، مخصوصا در ابتدای دهه ۴۰ ردپای حضور دانشجویان در حرکت‌های معترضانه بسیار دیده می‌شود. در این گزارش سعی کرده‌ایم آن دسته نمودهای دانشجویی را ذکر کنیم که در اسناد سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک در سال ۱۳۳۵ و پس از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۳۲ که منجر به سقوط دولت مصدق شد، تشکیل شد) نیز به آن اشاره شده است.

دانشجویان و لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی

قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی ۱۴ مهر ۱۳۴۱ با ۹۲ ماده از تصویب کابینه امیر اسدا... علم گذشت. به‌موجب این مصوبه شرط مسلمان‌بودن و سوگند به قرآن مجید از شرایط انتخاب‌شوندگان حذف می‌شد. امام‌خمینی(ره) یک روز بعد از این اتفاق (۱۷ مهر) در تلگرافی به شاه می‌نویسد: «به‌طوری که در روزنامه‌ها منتشر است، دولت در انجمن‌های ایالتی و ولایتی، «اسلام» را در رای‌دهندگان و منتخبین شرط نکرده... و این امر موجب نگرانی علمای اعلام و سایر طبقات مسلمین است... مستدعی است امر فرمایید مطالبی را که مخالف دیانت مقدسه و مذهب رسمی مملکت است از برنامه‌های دولتی و حزبی حذف نمایند.» به‌دنبال این نامه (و در کنار سایر اعتراضات اقشار جامعه) طبقه دانشگاهی نیز با روحانیت همصدا شده و قانون‌شکنی‌های دولت علم (چراکه این مصوبه به تصویب مجلس هم نرسید) را محکوم ساختند. دانشجویان دانشگاه تهران با میتینگ بزرگی به قم رفته و با حضور در صحن مطهر، مسجداعظم و منازل علمای قم به این لایحه اعتراض کردند.

واکنش‌های دانشجویی به دستگیری امام در نیمه خرداد ۴۲

وقایع خرداد سال ۴۲ به فروردین این سال بازمی‌گردد؛ دوم فروردین ۱۳۴۲ عوامل ساواک با حمله به مدرسه فیضیه قم اجتماع روحانیون در مخالفت با انقلاب سفید را سرکوب می‌کنند تا جایی که پرتاب کردن بسیاری از طلاب از طبقات فوقانی این مدرسه در اذهان باقی ماند. امام‌خمینی عید نوروز را که مصادف با شهادت امام جعفرصادق(ع) شده بود، عزای عمومی اعلام کرد. سپس به‌مناسبت چهلم حادثه فیضیه دعوت به برگزاری مجلس ختم کرد و در سخنرانی کوبنده خود، حادثه حمله به فیضیه را مورد مواخذه قرار داد، به اسرائیل و نقش او در سیاست ایران حمله کرد و به نصیحت شاه پرداخت. این موضوع نهایتا به دستگیری امام و واکنش‌های مردم منجر شد. در چهلم شهدای فیضیه، دانشجویان دانشگاه تهران اعلامیه‌ای را منتشر کردند که در آن سیاست‌های استعماری انگلستان و آمریکا در ایران و سایر کشورهای اسلامی افشا شده بود. این حرکت جزء اولین و مهم‌ترین نقش‌های پیشروی اجتماعی دانشجویان بود. در عصر ۱۳ خرداد ۴۲ (که مقارن با عاشوراست) دانشجویان دانشگاه تهران نوار سخنرانی امام‌خمینی را تهیه و پخش و در شب یازدهم محرم (۱۴ خرداد) تظاهرات گسترده‌ای برپا کردند و با سر دادن «شعار خمینی پیروز است» پشتیبانی خود را از نهضت امام اعلام کردند. نخستین واکنش نسبت به بازداشت امام‌خمینی در ۱۵ خرداد ۴۲ در دانشگاه تهران بروز کرد؛ دانشجویان به‌دنبال آگاهی از بازداشت امام‌خمینی کلاس‌های درس را تعطیل و ضمن برگزاری تظاهراتی وسیع، مردم را از بازداشت امام آگاه کردند. گزارش‌های لحظه‌به‌لحظه شهربانی و ساواک، نشان از مقاومت و پایداری دانشجویان پس از واقعه ۱۵ خرداد دارد. بعضی از این اسناد به شرح زیر است: «تاریخ و ساعت وصول خبر ۸:۴۶ روز ۱۳۴۲/۳/۱۶... دانشجویان، دانشکده‌های حقوق و فنی و پزشکی را تعطیل نمودند... «تا مرگ شاه خائن، نهضت ادامه دارد» و «یا مرگ یا خمینی» متن شعارهاست.» ساعت ۱۱:۱۰ دانشجویان دانشکده کشاورزی کرج در حال حاضر متفرقند، شعار صبح دانشجویان این بوده است: «درود بر روان شهدا؛ زنده و پاینده باد خمینی؛ تا مرگ شاه خائن نهضت ادامه دارد.» علاوه‌بر دانشجویان دانشگاه تهران، دانشجویان سایر دانشگاه‌ها ازجمله دانش‌سرای عالی تهران با تجمع در داخل و خارج دانش‌سرا، ضمن سر دادن شعارهایی علیه شاه مردم را به شرکت در تظاهرات ترغیب و تشویق کردند. دانشجویان دانشگاه پلی‌تکنیک هم با نصب پلاکاردهایی با مضمون شعارهایی علیه حکومت، دانشکده‌های همجوار و دانش‌آموزان دبیرستان‌ها را به شرکت در تظاهرات ترغیب می‌کردند. امام نیز در نخستین سخنرانی خود پس از آزادی از زندان، خطاب به دانشجویان گفت: «آقایان! سعی کنید در دانشگاه پرچم اسلام را بالا ببرید، تبلیغات مذهبی بکنید، مسجد بسازید، اجتماعا نماز بخوانید، تظاهر به نماز خواندن بکنید، وحدت مذهبی لازم است که این اجتماع عظیم و فشرده را ایجاد می‌کند. اگر علاقه به استقلال ایران دارید وحدت مذهبی داشته باشید.»

واکنش‌های دانشجویان خارج از ایران به تبعید امام

تبعید امام موجی از واکنش‌های دانشجویان ایرانی برون‌مرزی در قالب انجمن‌های اسلامی دانشجویان اروپا را نیز برانگیخت. در گزارش‌های ساواک آمده است: «دانشجویان ایرانی مقیم وین با همکاری انجمن اسلامی شهر وین، نامه اعتراضی‌ای نسبت به تبعید آیتا... خمینی تهیه و برای آیتا... حکیم در نجف، آیتا... خویی در نجف، آیتا... میلانی در قم و برتراند راسل، فیلسوف انگلیسی و سازمان‌ملل ارسال نموده‌اند.» انجمن دانشجویان ایرانی در لیوبن، اتریش و سازمان دانشجویان مقیم آمریکا در نامه‌های خود به مجلس شورای ترکیه در آنکارا درباره تبعید امام ارسال کردند. ۱۶ آذر سال ۴۳ نامه سرگشاده‌ای به زبان آلمانی خطاب به ملت ترکیه از طرف دانشجویان نوشته شد. موج حرکت‌های دانشجویی و نامه‌ها و اعتراضات جهانی دانشجویان در رابطه با تبعید امام واکنش‌های گوناگونی در جهان داشت و بی‌تاثیر نبود. روزنامه «ینی‌طنین» استانبول در دی‌ماه ۴۳ آورده است: «...به این دانشجویان اطلاع می‌دهیم که نسبت به روح میهمان‌نوازی ملت ترک شبهه‌ای نداشته باشند و درمورد موضوع سازمان هم یادآوری می‌نماییم که در ترکیه فقط دراویش به حرف آنهایند.»

همراهی با امام تا روزهای پیروزی

بعد از حوادث ۱۹ دی‌ماه سال ۵۶ در قم و قیام ۲۹ بهمن‌ماه سال ۵۶ در تبریز، میزان مخالفت‌ها با رژیم پهلوی در سراسر کشور بیشتر شد و در صدر آن در مراکز عالی و دانشگاه‌ها به‌گونه‌ای که در اواسط سال ۵۷ علاوه‌بر دانشجویان، بسیاری از کارکنان بخش اداری، مدیران میانی، استادان و اعضای هیات‌علمی آشکارا به صف معترضان پیوستند. در دانشگاه عملا بیشتر کلاس‌ها برگزار نمی‌شد. ۱۷مردادماه ۵۷ جلسه مشورتی میان روسای دانشگاه‌ها با جمشید آموزگار، نخست‌وزیر وقت و نمایندگانی از ساواک برگزار شد که در این جلسه با توجه به دستور شاه برای آرام‌سازی جو دانشگاه‌ها تصمیم گرفته شد نیروهای امنیتی- دفاعی همچنان در دانشگاه‌ها حضور داشته باشند و همزمان چنین القا شود که طرح استقلال دانشگاه و خواسته‌های دانشجویان به‌طور جدی در دست بررسی دولت است؛ اما به‌نظر می‌رسید بین دولت و ساواک اتفاق‌نظر وجود نداشته و دولت صراحتا ساواک را به اجتناب از اقدامات خودسرانه فرا می‌خواند. اوج سرکوب ساواک ۱۳ آبان‌ماه سال ۵۷ در دانشگاه تهران و اطراف آن صورت گرفت که صدها تن دستگیر و مجروح شدند و بخش‌هایی از آن در تلویزیون پخش شد که موجب خشم و نفرت عمومی مردم از ساواک و حکومت را بیش از پیش کرد و ساواک از ادامه پخش برنامه‌هایی از این دست جلوگیری کرد.

دانشجویان و انقلاب سفید

انقلاب سفید یا انقلاب شاه و مردم نام یک سلسله تغییرات به‌ظاهر اقتصادی و اجتماعی بود که ششم بهمن ۱۳۴۱ آن را به رای گذاشت. امام‌خمینی(ره) این رفراندوم را «نامشروع و غیرقانونی» خواند. بامداد روز سه‌شنبه، دوم بهمن ۱۳۴۱ اعلامیه امام مبنی‌بر تحریم رفراندوم قلابی شاه، یک‌باره در تهران و بسیاری از شهرها پخش شد. پنجشنبه، چهارم بهمن ۱۳۴۱ در دانشگاه تهران دانشجویان پلاکاردهایی با شعارهای «اصلاحات آری دیکتاتوری نه!» و «دانشجویان با اصلاحات موافقند! اما حکومت دیکتاتوری برایشان قابل تحمل نیست» بر سردر ورودی دانشگاه بالا برده بودند. عده‌ای از دانشجویان دانشگاه در مسجد شاه اجتماع کرده بودند. هنوز دانشجویان اجتماع کننده در مسجد شاه، سخن آغاز نکرده بودند که پلیس از چند طرف به مسجد هجوم برده و به زدن و دستگیر کردن دانشجویان پرداخت. جالب اینکه عده‌ای چاقو به دست در همین روز در حالی که سرتیپ حکیمی (مسئول انتظامات دانشگاه تهران) در پیشاپیش آنان حرکت می‌کرد، با شعار جاوید شاه به دانشگاه حمله کردند و پلاکاردهایی را که دانشجویان بالای در ورودی دانشگاه نصب کرده بودند، پایین کشیده و آتش زدند و بعد به دانشکده‌ها ریخته، وسایل آزمایشگاه‌ها را شکستند و دانشجویانی را که در کلاس‌ها بودند به چوب بستند. بنابر اعلامیه دانشجویان دانشگاه، بر اثر این یورش تمام سراهای دانشکده پزشکی، فنی و علوم «از خون پر شده بود» و این تراژدی خونین حدود ساعت ۱۲ آن روز پایان یافت.

واکنش دانشجویان به تبعید امام‌خمینی

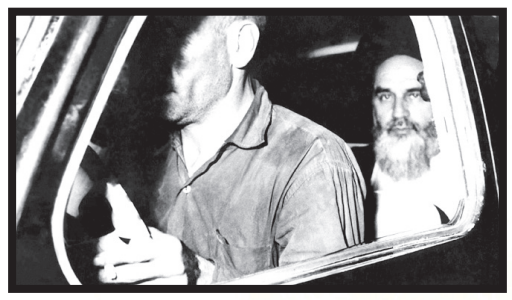

رخداد دیگری که در آبان سال ۴۳ خبرساز می‌شود، سخنرانی امام در چهارم آبان آن سال در قم علیه تصویب قانون اجازه استفاده مستشاران آمریکایی در ایران از مصونیت‌ها و معافیت‌های قرارداد وین (کاپیتولاسیون) بود؛ در پی این سخنرانی، دستور دستگیری امام‌خمینی صادر و درنهایت ایشان به ترکیه تبعید شد.

امام در اعلامیه‌ای که در آبان‌ماه سال ۱۳۴۳ بر ضد احیای رژیم کاپیتولاسیون صادر کرد، از دانشگاهیان و دانشجویان چنین مددخواهی کرد: «...بر اساتید دانشگاه است که جوانان را از آنچه زیر پرده است مطلع کنند. بر جوانان دانشگاهی است که با حرارت، با این طرح مفتضح مخالفت کنند، با آرامش و با شعارهای حساس مخالفت دانشگاه را به ملت‌های دنیا برسانند. بر دانشجویان ممالک خارجه است که در این زمینه حیاتی که آبروی مذهب و ملت را به خطر انداخته، ساکت ننشینند... .»

دانشجویان دانشگاه تهران در پی تبعید امام‌خمینی به ترکیه، با انتشار اعلامیه‌ای دانشجویان دانشگاه تهران در ۱۳۴۳/۱۰/۱۱ بار دیگر حمایت خود را از نهضت اسلامی و رهبری امام‌خمینی اعلام کردند و خواستار رفع تبعید ایشان شدند. در بخشی از این اعلامیه آمده است: «دانشجویان دانشگاه... به روش جائرانه و قانون‌شکن دولت، اعتراض و به دنیا ثابت کرد که تمام خفقان‌های پلیسی موجود در دانشگاه، دانشجویان برای به دست آوردن آزادی سنگرهای خود را فشرده‌تر می‌کند. ما به دنیا اعلام می‌کنیم که دولت جبار ایران علی‌رغم خواسته‌های ملت برای باز کردن راه برای اربابان آمریکایی خود حضرت آیتا... العظمی خمینی... به جرم حق‌گویی و دفاع از حقوق ملت و حریم مقدس قرآن و مخالفت با کاپیتولاسیون (امضای سندبردگی ملت ایران به دولت) نیمه‌شب به‌طور وحشیانه دستگیر و تبعید نموده‌اند. ما دانشجویان دانشگاه تهران به پشتیبانی از مرجع رشید خود و به‌دنبال حذف مقدس معظم‌له تا آخرین لحظه حیات به مبارزات خود ادامه می‌دهیم و به سازمان‌ملل متحد اعلام خطر می‌نماییم که باید هرچه زودتر به این قانون‌شکنی‌ها هیات حاکمه ایران رسیدگی نماید، مرجع تقلید شیعیان جهان حضرت آیتا... العظمی آقای خمینی را به ایران بازگرداند والا مورد خشم و غضب ملل مسلمان قرار خواهد گرفت.»

دیدار خصوصی دانشجویان با امام‌خمینی(ره)

اسناد ساواک یک مورد از دیدارها و گفت‌وگوهای دانشجویان با امام‌خمینی(ره) در ماه‌های نخست سال ۱۳۴۲ را این گونه گزارش کرده است: «در ساعت ۱۸:۰۰ روز ۱۳۴۲/۲/۱۰ جلسه دانشجویان وابسته به انجمن اسلامی در اتاق شماره ۲۱۱ خوابگاه شماره سه دانشکده کشاورزی تشکیل گردید و یک نفر دانشجو به نام روحانی درمورد حکومت در اسلام سخنرانی نمود و سپس تقی شامخی اظهاراتی به شرح زیر بیان داشت: روز جمعه به اتفاق عده‌ای از دانشجویان انجمن اسلامی مقیم تهران به قم رفتیم و به‌طور پراکنده وارد منزل آقای خمینی شدیم؛ چند نفر پاسبان دور منزل ایشان بودند. ابتدا دانشجویان مقاله‌ای که به شرح زیر تهیه شده بود برای ایشان قرائت کردند: ...مدت ۱۸ سال است انجمن اسلامی دانشجویان تشکیل شده و فعالیت می‌نماید؛ ما احتیاج مبرم به دین و مذهب داریم؛ روحانیون باید ما را کمک کنند، ...هدف ما اشاعه دین مبین اسلام و هدایت نسل جوان است؛ ما باید مسلمان واقعی باشیم... ما اکنون آماده‌ایم پشتیبانی خود را از علما اعلام داریم و نظر ما این است که رابطه نزدیکی بین دانشگاه و حوزه علمیه برقرار نماییم.» در ادامه گزارش ساواک آمده است: «...سپس آقای خمینی جواب گفتند جوانان مسلمان دانشگاه تهران به منزل ما خوش آمدید. امید است در نگهداری دین خود استوار باشید... زیرا از شما جوانان برومند انتظار زیادی داریم. ما ملت‌های مسلمان باید متحد شویم و با اسرائیل و عمال آنها در ایران مبارزه کنیم. حوزه علمیه هرگز مخالف اصلاحات ارضی نبوده؛... ما می‌دانیم این موضوع برای سرگرمی کشاورزان فراهم شده است. موضوع حق شرکت دادن زنان در انتخابات مانعی ندارد؛ ولی حق انتخاب شدن آنها فحشا به بار می‌آورد. موضوع حق رأی دادن زنان و... در درجه آخر اهمیت قرار دارد... .»

امام‌خمینی حمله به دانشگاه را محکوم می‌کند

در چهلم شهدای فیضیه، امام‌خمینی اعلامیه‌ای منتشر می‌کنند و در بخشی از آن حمله نیروهای شاه به دانشگاه تهران را محکوم می‌کنند: «دستور اعلی‌حضرت است که به دانشگاه بریزند و دانشجویان را بکوبند. اگر اینها صحیح است باید فاتحه اسلام و ایران و قانون را خواند! و اگر صحیح نیست و اینها به دروغ جرم‌ها و قانون‌شکنی‌ها را به شاه نسبت می‌دهند، پس چرا ایشان از خود دفاع نمی‌کنند تا تکلیف مردم با دولت روشن شود و مردم عمال جرم را بشناسند و در موقع مناسب به‌سزای اعمال خود برسانند؟» امام در نخستین اعلامیه‌ای که از نجف اشرف صادر کرد، خطاب به طلاب حوزه‌های دینی گفت: «...شما در نظر آنها مجرم هستید، جرم شما... دانش شماست و عدم تسلیم کورکورانه در مقابل اجانب و دست‌نشاندگان بی‌حیثیت آنهاست. این جرم را دانشگاهیان و طبقه تحصیلکرده جوان هم دارند؛ لذا با محرومیت‌ها و رنج‌ها و سختی‌ها مواجه می‌باشند.» امام در پیام خود به هویدا نیز اعلام کرد: «...شما اگر دانش‌دوست هستید چرا حمله به مراکز دانش می‌کنید؟ چرا فیضیه و دانشگاه را به خاک و خون می‌کشید؟ چرا محصلین علوم دینیه را یک روز راحت نمی‌گذارید؟ چرا با دانشجویان در خارج و داخل به این نحو معامله می‌کنید؟...»

اعلامیه‌ای که شاه را رسوا کرد

با فرارسیدن چهلم شهدای ۱۵ خرداد ۴۲، دانشجویان همراه با سایر مردم این روز را گرامی داشتند. شاه در یک سخنرانی در همدان اعلام کرده بود« «تظاهرات‌کنندگان ۱۵ خرداد، هر نفری ۲۵ ریال پول گرفته و به خیابان‌ها ریخته‌اند!» اتحادیه فرهنگیان و دانشجویان ایران در اعلامیه‌ای در این‌باره نوشته‌اند: «حادثه خونین کربلا بار دیگر پس از ۱۳۰۰ سال، به دست حکومت جابرانه وقت تکرار گردید. عمال یزید با اسلحه گرم به‌وسیله تانک و مسلسل و زره‌پوش، ۶۲۰۰ نفر از فرزندان غیور و باشهامت کشور را در روز روشن، ...به خاک و خون کشید... همه عالم می‌دانند تمام تظاهرات مردم غیور تهران و قم برای این بود که بزرگ مرجع اسلام، یعنی آیتا... العظمی آقای خمینی را دستگاه ستمگر در شب همان روز با وضع رقت‌باری از قم به تهران منتقل کرده بود... دولت حیله‌گر برای اینکه این نهضت را آلوده سازد... به قول نویسنده سرمقاله اطلاعات (عباس مسعودی که از عمال مارک‌دار و باسابقه استعمار است) این قیام مقدس را «شورش کور» نامیده است، غافل از آنکه دوران این سیاست‌های کور گذشته، بار دیگر مردم هوشمند و بیدار ایران فریب این سیاست‌های افسونی را نخواهند خورد. این روزها حکومت لرزان وقت، تهمت‌های ناجوانمردانه به این افراد زده، به گمان اینکه مردم از پشت کوه قاف آمده‌اند تا دروغ هر دروغ‌پردازی را بپذیرند.»

دانشجویان و مقابله با نقشه سکستاریستی در دانشگاه

در سال ۱۳۴۸ مبارزه از دانشگاه شیراز اوج گرفت و دلیل، برگزاری جشن‌های شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله در شیراز و برگزاری انتخاب دختر شایسته! در این شهر بود. دانشجویان در دانشگاه شیراز با سیاست ترویج آزادی جنسی و دختر شایسته و اشاعه فحشا به اعتراض برخاستند و در کنار تظاهرات گسترده و زد و خورد شدید، اعلامیه‌ای صادر کردند. در بخشی از این اعلامیه آمده است: «...عمال استعمار برآنند تا دانشگاه را که باید مرکز روشنگری و محیط پاک علم باشد به‌وسیله عناصر فاسد و کثیف به طرف دانشگاه سوق دهند و تحت عناوین دختر شایسته! آنها را الگوی تمام‌عیار دانشجویان جلوه دهند و بدین‌وسیله تمام مظاهر انسانی را و اخلاقی را در میان جوانان نابود سازند. از این رو هنگامی که با اعتراض شدید دانشجویان مواجه می‌شوند و برنامه‌های سیاه خود را با شکست روبه‌رو می‌بینند و توده‌های مردم را پشتیبان حق‌گویی دانشجویان، دست به شکنجه و جنایت می‌زنند... اما شاه دست‌نشانده و سایر عمال امپریالیسم و صهیونیسم باید بدانند که فکر سیاه و پلید آنان به اشتباه رفته است و روحانیون و دانشجویان و توده مردم متحد هستند و هرگز دست از رسالت تاریخی خود برنمی‌دارند... .»

اعتراض به باز بودن بوفه‌های دانشگاه در ماه رمضان

در رمضان سال ۱۳۴۸ برای اولین‌بار بوفه‌های دانشگاه تهران در ماه رمضان باز بود و این اقدام اعتراض دانشجویان را برانگیخت. این اعتراض به باز بودن بوفه‌ها به‌حدی بالا گرفت که دکتر مظاهری، رئیس پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران در نامه‌ای به دربار اعتراض کرد و گفت: «انقلاب آموزشی شنیده بودیم اما ترویج بی‌دینی ندیده بودیم.» دانشجویان نیز در بوفه‌ها را بستند و مسئول بوفه‌ها را که وابسته مستقیم دربار بودند، کتک زده و بیرون کردند. در مسجد دانشگاه تهران در مهرماه سال ۱۳۴۸ برگه‌ها و اطلاعیه‌هایی توزیع شد که روی آن نوشته شده بود: «دوستان و هم‌کلاسی‌های مسلمان؛ پدیده‌های نوی زمان را با معیارهای اسلامی بسنجید و برای اعتلای کلمه حق با خود یاری‌مان کنید... امضا دانشجویان دانشگاه تهران.»